

تدقیقات لسانی

کلمه‌های فارسی در زبان عربی

در نتیجه تفحصات دقیقه ثابت شده است زبانهای که بنی نوع انسان بدان تکلم مینماید هرگز نمیتوانند از شباهت یکدیگر خالی باشند، چه انسان برای اینکه استعداد بدنی و فکری و اخلاقی خود را بکار اندازد ناگزیر است که توقعات و تمایلات و احساسات و خیالات خود را برفیق و همجنس خود بفهماند تا بدین وسیله نفع مشترکی را تأمین و از حقایق و معلومات، اصول و اولیاتی که در نهاد او متمکن است اینها نوع خویش را کامیاب نماید و تنها بوسیلهٔ زبانست که افراد بشر میتوانند از طرز تعقل و تفکر، قدرت و نشاط، فهم و ادراک، توانائی و اراده، سلیقه خلق و مزاج یکدیگر مطلع و از روحیات هم شناسائی حاصل نمایند و بنا بر این اصل، امتزاج يك زبان با زبانهای دیگر عیب و نقص این لسان شمرده نمیشود، بلکه اگر کلمات و الفاظ بیگانه را در تحت قاعده‌ای مرتب داشته و آنها را تابع قوانین و اصول همان لسان نمایند بالتیجه به آن زبان خدمت شایانی شده است و بطوریکه مشاهده مینمائیم این قاعده در زبان عربی بیش از سایر زبانها رعایت شده و يك بسط و توسعهٔ غریبی به آن داده که در کمتر لسانی دیده میشود چه قبایل بادیه نشین اعراب از قدیم‌الایام عادت داشته‌اند که در نتیجهٔ آمیزش با اقوام معاصر خود حتی الامکان قواعدی را که مبنی بر اتصالات آنان با هیئت جامعه بوده باشد از آنها کسب، و بواسطهٔ مرور زمان و کثرت معاشرت

با ملل و اقوام، بسیاری از لغات یونان و رومان و بابلیها را امروزه در این زبان مشاهده مینماییم.

مثلاً قبایل لخم و خدام با اهل مصر و قبطی‌ها مجاور بودند قضاچه و غسان و ایاد با رومیها و عبرانیها و طوایف تغلب و یمن در جزایر مجاور یونان سکنی داشتند، قبیله بکر در نزدیکی هندوستان، و حبشه و دو طایفه بزرگ دیگر موسوم به «عبدالقیس» و «ازدعمان» در بحرین اقامت و با هند و فرس معاشرت تامی داشتند.

همین قسم اهل یمن با هنود و حبشه و ساکنین صحاری عراق با نبطیها و فرس زیاد آمد و شد میکردند و در نتیجه این آمیزش، بسیاری از الفاظ بیگانه را با رعایت قواعد و قوانین مخصوص داخل زبان عربی نموده که امروزه نمیتوان آنها را بشمار آورد.

ولی تمام این معربات که آنها را به اصطلاح امروزی دخیل نیز میگویند لغتی که کوی سبقت را از دیگران ربود همانا لغت فارسی است بطوریکه جاحظ که از بزرگترین شعرا و ادبای عرب محسوب میشود در کتاب بیان و تبیین خود مینویسد «اهالی مدینه بواسطه کثرت معاشرت با فرس بسیاری از الفاظ و کلمات آنها را اخذ و استعمال کرده آنها را در میانه خود رواج دادند مثلاً بطیخ را خرزبه، سمیط را روزق، و مصوص را مزور مینامند». و باید دانست که نه تنها قبایل مجاوره فرس بواسطه قرب و جوار لغات فارسی را داخل زبان عربی میکردند بلکه طوایف و قبایل دوردست همین قسم کلمات زیادی را از فرس استعاره و در مکالمات خود بکار میبردند، و ما در این مقاله عده از آن لغات را از کتاب المعربات للسید ادی شیر کلدانی استخراج و ذکر

میکنیم و امید است که در آتیه بطرز جامعتری در این موضوع مهم بحث و استقصا بنمائیم.

اقتباس از کتاب المعربات للسید ادی کلدانی

کلمهٔ معرب	معنی	اصل فارسی
أبهه	عظمت، بهجت	آب
الابل	قطعهٔ ابر حامل باران	ابر
اریشم	حریر	ابریشم
أباشه	دسته از مردم	اباش
ارریق	اقتابه	ابریز
اذریون	گل آفتاب پرست	اذرگون
ارجان	بادام کوهی	ارجان
ارش	دیه، رشوه	ارز
رصاص	سرب	ارزیز
ارجوان	گلی است معروف	ارغوان
برمغان	هدیه، تحفه	ارمغان
أسوه	پیشوا، رهنما	استاد
استاذ	معلم، آموزگار مع علوم انسانی	استاد
افریز	عالی، رفیع	افراز
افر (۱)	شدت گرما	افروختن
سفار	مهار	افسار
افیون	تریاک	ایدون
اکه	شدت و محنت	آک
انبار		انبار
عندوآه	هم و غم	اندوه
هندام	قد و قواره	اندام

[۱] fire در زبان انگلیسی و Feuer در آلمانی از ماده افروختن فارسی اتحاد

کلمهٔ معرب	معنی	اصل فارسی
اواز	اهنگ مخصوصی از صدا	اواز
اریکه	تخت، سریر سلطنت	اورنگ
ائین	مسلك، طریقت	ائین
اوج	ارتفاع	اوک
اهو	غزال	اهو
انو	نصف شب	نیم
اهن		اهن
اوش	ندیم و مصاحب	اشنا
آفه	منزل، سکنی	خانه

قاهره — س. مصطفی طباطبائی

شرق و غرب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

رادیو روز بروز بر دایرهٔ انتشار خود میافزاید و در ممالک اروپا ترقیات حیرت انگیز میکند و حتی در امریکا و انگلستان ارباب جراید را بوحشت انداخته چونکه مردم به ارزاترین وجهی به رادیو آبونه میشوند و اخبار مهم و مطالب لازمه را هر روز در خانهٔ خود میشوند و دیگر احتیاج خریدن روزنامه را ندارند. یکنظر به پروگرام اخبار یکی از اداره‌های رادیو که هر روز به آبونه‌های خود میدهد این مطلب را واضح میسازد مثلاً در برلین